

حاکمیت اقتصادی^۱

نیلوفر ظهوریان فولادی*

برگرفته از مقاله پروفیسور Avinash Dixit، سال ۲۰۰۸ با عنوان "حاکمیت اقتصادی"

کردن، قدرت یا اجازه برای حکومت کردن؛ ج) رویه ای که چیزی اداره یا نظارت شود؛ د) اداره زندگی یا کسب و کار، شیوه زندگی، رفتار، اسلوب، رفتار محتاطانه و موثر، خویشتنداری آگاهانه. تنوع در تعاریف باعث می شود تا این اصطلاح با معانی مختلف در هر متن اقتصادی استفاده شود.

استفاده از این اصطلاح در دو حوزه بیشتر است. مورد اول حاکمیت شرکتی^۲ است. این مقوله به بررسی مدیریت داخلی شرکتها و ساختار سازمانی آنها می پردازد؛ همچنین قوانین و اصول رفتار سازمانی با ذینفعان مشخص می شود.

حوزه دوم، حاکمیت اقتصادی است که ویلیامسون^۳ (۲۰۰۵)، از آن به عنوان «مطالعه ساز و کارهای عملی و منظم» یاد کرده است. این تعریف شامل موسسات و سازمان هایی می شود که از معاملات اقتصادی به واسطه حفظ حقوق دارایی ها، قانونی نمودن قراردادها و اقدام کلی برای تامین زیرساختارهای مناسب عملی و سازمانی و تامین اطلاعات، ساختارهای قانونی و مقررات موثر در معاملات بین فعالان اقتصادی و شرکت ها پشتیبانی می نمایند. در وضعیت های گوناگون اقتصادی و در زمان های مختلف، از موسسات بسیاری برای دسترسی

حاکمیت اقتصادی به مجموعه ای از فرآیندها اطلاق می شود که فعالیت و تعاملات اقتصادی را با حفظ حقوق دارایی ها، ضمانت قانونی قراردادها و اقدام کلی برای تامین زیرساختارها پشتیبانی می نماید. این فرآیندها توسط موسسات به صورت رسمی و غیر رسمی به اجرا در می آیند. مبحث حاکمیت اقتصادی به بحث پیرامون عملکرد موسسات و مقایسه آنها در شرایط متفاوت می پردازد و موضوع تحول در این موسسات و موقعیت گذار آنها را مورد مطالعه قرار می دهد.

وظیفه موسسات رسمی و غیررسمی حمایت از فعالیت و معاملات اقتصادی است. آنها با حفظ حقوق دارایی ها، قانونی نمودن قراردادها و اقدام کلی برای تامین زیرساختارهای مناسب عملی و سازمانی به این مهم می پردازند. حاکمیت اقتصادی موسسات زیر را با یکدیگر مقایسه می کند: موسسات دولتی اقتصادی - قانونی^۲، موسسات با پذیرش محدود و در حوزه قانون (قرارداد موثق، حکمیت)، حاکمیت انتفاعی (موسسات رتبه بند، و موسسات غیرقانونی سازماندهی شده) و موسسات اجتماعی و ضابطه مند. موسسات خصوصی می توانند نظام حقوقی حاکم را در دریافت و تفسیر اطلاعات مربوطه و نیز اعمال تحریم برای متخلفان، اجرا نمایند. با این وجود، موسسات خصوصی، در اندازه ساختاری خود با محدودیت هایی مواجه هستند و در صورت توسعه فعالیت اقتصادی حضور موسسات رسمی بیشتر خواهد شد.

مفاهیم و طبقه بندی ها

اصطلاح «حاکمیت» در اقتصاد از سال ۱۹۷۰ رایج شد. تحقیقات EconLit بر رواج این اصطلاح حکایت دارد. در این زمینه، تنها پنج مورد مشابه با این نام در عنوان، کلمات کلیدی و چکیده مقالات از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ یافت شده است. این رقم در دهه ۸۰ به ۱۱۲ و در دهه ۹۰ به ۳۸۲۵ عدد رسید. از سال ۲۰۰۰ تا زمان نگارش این مقاله (دسامبر ۲۰۰۵) تعداد این اصطلاح به ۷۹۴۸ عدد رسیده است.

فرهنگ واژگان آکسفورد تعاریف گوناگونی را برای اصطلاح «حاکمیت» بیان کرده است: الف) عمل یا نوع حکومت کردن؛ کنترل کردن؛ اداره کردن؛ یا تاثیر نظارت کردن، کنترل شده، سلطه داشتن، فرمانروایی کردن؛ تحت حکومت کسی قرار گرفتن؛ ب) عمل، عملکرد یا قدرت اداره کردن یا قدرت حکومت



1- Economic Governance
2- State politico-legal institution
3- Corporate governance
4- Williamson



به موارد فوق استفاده شده است. مبحث حاکمیت اقتصادی به بحث و مقایسه عملکرد این موسسات می پردازد. این مبحث شامل مدل های نظری و تجربی و همچنین موردکاوی هایی از عملکرد موسسات مختلف در شرایط گوناگون و نحوه برخورد آنها با یکدیگر، نوع معاملات اقتصادی و در نهایت وجود ضرورت برای تغییر در آنها می باشد.

حاکمیت شرکتی و حاکمیت اقتصادی در ارتباط با یکدیگر می باشند، زیرا محدوده حاکمیت در ذات خود به واسطه توجه به اطلاعات و هزینه های مربوط به داخل سازمان و نیز دارایی ها و قراردادهای مرتبط با آن سازمان تعیین می شود (Coase, 1937). به خصوص، ماهیت هزینه های معامله ممکن است آن را در قبول مسائل حاکمیتی از طریق ادغام دو بخش موثر سازد؛ به عنوان مثال، ادغام عمودی (Williamson, 1975; 1995). اما از نظر تحلیلی مجزا نمودن آنها بسیار ساده است. در این مقاله در خصوص حاکمیت اقتصادی صحبت شده است.

اقتصاددانان، در دوره ای طولانی به حاکمیت اقتصادی توجهی نداشتند؛ زیرا انتظار داشتند که حکومت به این مسئله رسیدگی نماید. پس از آن توجه و مطالعه تجربیات اقتصادی باعث شد تا آنها به دنبال موسسات غیردولتی برای اجرای حاکمیت اقتصادی باشند.

حاکمیت اقتصادی به خودی خود به عنوان یک رشته تحصیلی به شمار نمی آید؛ بلکه مفهومی را سازماندهی کرده یا در بر می گیرد که شامل رشته های بسیاری از جمله موسسات، رفتارهای سازمانی، رشد و توسعه اقتصادی، نهادهای صنعتی، قانون و اقتصاد، اقتصاد سیاسی، نظام های اقتصادی و بسیاری از زیر رشته های مرتبط با آنها است.

این موضوع را می توان با دسته بندی موسسات در ابعاد گوناگون سازماندهی کرد. در واقع، تفاوت های بارزی در هر دسته بندی یافت می شود که گروه ها را از یکدیگر متمایز می سازد. اولین بعد را می توان به هدف ایجاد موسسات اختصاص داد. در این دسته می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) حمایت از حقوق دارایی ها در مقابل دزدی توسط اشخاص، رباخواری دولتی یا سازمانی،

ب) تقویت قراردادهای اختیاری بین افراد

ج) ظهور تبصره های مرتبط با زیرساختارهای عملی و نظارتی به منظور روان سازی فعالیت های اقتصادی و عملیاتی کردن عملکردهای موسسات الف و ب.

همچنین می توان به گروه چهارمی نیز اشاره کرد که وجود آن برای جلوگیری از شکاف جدی یا جدایی که باعث بروز تهدید جامعه می شود، ضروری است. اما در این مقاله اشاره ای به آن نخواهد شد.

دومین بعد به ماهیت موسسات توجه دارد. در این دسته بندی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) موسسات دولتی و رسمی که بر تقویت اجرای قانون در حیطه نیروی انتظامی، دادگستری، نهادهای نظارتی و قانونگذار تاکید دارند.

ب) موسساتی خصوصی که زیر چتر قوانین دولتی در حریمی مشخص فعالیت می کنند.

ج) موسسات انتفاعی خصوصی که به تهیه اطلاعات می پردازند.

د) موسسات یا نهادهای خودگردان اجتماعی، شبکه ها و گروههای اخلاقی.

بعد سوم بر می گردد به موسساتی که هدفی خاص را دنبال می کنند. گروههای خودگردان معمولاً سرچشمه تشکیل چنین موسساتی هستند در حالی که سه دسته اول موسسات در بعد دوم، نیاز به ضوابط تشکیلاتی دارند.

موسسات دولتی رسمی

بسیاری بر این نظر توافق دارند که نوعی از موسسات دولتی بر پیامدهای اقتصادی نظارت داشته و بر آن تاثیرگذار باشند. اهمیت حفظ حقوق دارایی ها، از جانب اشخاص و دولت در مقابل چپاولگری ها، پذیرفته و ثبت شده است (به عنوان مثال، De Soto, 2000). با این وجود، همچنان بسیاری از مباحث مربوط به معیارهای دقیق در مورد چگونگی ساختار اینگونه موسسات و نیز جزئیات بسیاری در خصوص ساز و کار این موسسات و تاثیرگذاری آن بر پیامدهای اقتصادی، باقی مانده است.



در سطحی فراتر، تمایز بین دموکراسی و خودکامگی که هر کدام جوانب خاص خود را دارند؛ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. دموکراسی مزیت‌های هنجاری بسیاری دارد اما اهمیت آن برای دولت کمتر مشهود است. بارو^۵ (۱۹۹۹) ارتباط معکوس U شکلی را بین رشد اقتصادی و معیارهای دموکراسی پیدا کرده است. «در زمانی که آزادی‌های سیاسی اندک باشد، دموکراسی رشد خواهد نمود اما در صورت وجود آزادی به صورت معمول، فشار بیشتر رشد خواهد کرد.» پرسون^۶ (۲۰۰۵)، با استفاده از برش عرضی به این نتیجه رسیده است که ناهمگونی ابتدایی بین فرم‌های دولتی دموکراتیک و غیر دموکراتیک به صورت کامل وجود ندارد. فرم‌های اصلی مسائل دموکراتیک مربوط به طرح‌های سیاسی و پیامدهای اقتصادی است: «دموکراسی‌های دائمی، نسبی و مشروطی، باعث ترویج هماهنگی و رشد ساختارهای سیاسی می‌شوند، در حالیکه دموکراسی بر مبنای مردم سالاری و موقت اینچنین نیست» (پرسون، ۲۰۰۵). با این وجود، کیفر^۷ (۲۰۰۴)، پس از بررسی گسترده در قوانین انتخابی و سازمان‌های قانونی، به این نتیجه دست یافت که این موسسات بر سیاست‌ها اثرگذارند ولی عامل اصلی و حیاتی برای کسب موفقیت به شمار نمی‌آیند: «قوانین‌گزینی ... به احتمال زیاد بیانگر رشد برخی کشورها و یا عدم رشد سایر آنها نمی‌باشند» و توجه صرف به این نکته که کشورهای در حال توسعه دارای فرم‌های مردم سالاری در ساختار دولتی خود هستند، نمی‌تواند نکته کلیدی برای شرح آهنگ کند و آهسته رشد آنها باشد.»

و مبحث دموکراسی به صورت جزئی گویا و واضح می‌باشد. گیوازی و تابلینی^{۱۰} (۲۰۰۵)، بازتاب مثبتی را بین اصلاح اقتصادی و سیاسی پیدا کرده‌اند اما بر این نکته هم دست یافته‌اند که در موضوعات مورد اصلاح، کشورهایی که در ابتدا به لیبرال نمودن اقتصاد و سپس پیاده‌سازی نظام دموکراسی پیش‌رفته‌اند نسبت به کشورهایی که این مسیر را بر عکس رفته‌اند، موفق‌تر بودند. در عمل، اطمینان از اجرای مناسب قوانین توسط حاکمان سلطه‌جو بسیار دشوار است. ارزیابی‌های بسیاری برای موسسات وجود دارد. محققان بانک جهانی (کافمن، کرای و ماستروزی)^{۱۱} در سال ۲۰۰۵، شش ارزیابی را برای ایجاد چنین موسساتی در نظر گرفته‌اند: الف) پاسخگویی و حق اظهار نظر - ارزیابی سیاسی، اجتماعی و حقوق انسانی و شهروندی، ب) بی‌ثباتی سیاسی و خشونت آمیز - ارزیابی احتمال تهدیدهای خشونت آمیز، تغییر در دولت و انجام اعمال تروریستی، ج) تاثیر دولت - ارزیابی مهارت در بروکراسی و ارائه خدمات عمومی، د) حفظ قوانین - ارزیابی تلافی سیاست‌های بازار خصمانه، ه) مقررات قانونی - ارزیابی کیفیت اجبار در اجرای قراردادها با کمک پلیس و مراجع قضایی، و) کنترل فساد - ارزیابی قدرت عمومی برای دسترسی‌های خصوصی شامل فسادهای کوچک و بزرگ و بازخواست از دولت. از موارد ذکر شده، موارد (ه)، (و) و (ب) مورد توجه اکثر موسسات قرار می‌گیرند تا از حقوق دارایی‌ها محافظت کرده و در اجرای قرارداد اصرار ورزند. مورد الف) به دولت مربوط است زیرا پاسخگویی باعث کاهش مشکلات بین مردم و شرکتهای دولتی می‌شود و مورد (ج) و (د) متعلق به چیزی است که نگارنده آن را اصل زیرساختار دولت می‌نامد. از لحاظ مفهومی و نظری، آنها با یکدیگر ادغام شده‌اند؛ کیفیت برخی

دموکراسی می‌تواند برای دولت دارای اهمیت باشد زیرا اتکا به قوانین آن از شهروندان در مقابل چپاولگری‌های دولتی جلوگیری می‌نماید. در واقع، نخبگانی که به دنبال قوانین غیر اجباری هستند، ممکن است آن را در منافع خود و در ایجاد پیمانی موثق با مضمون عدم دزدی از مردم ضمن ایجاد و پرورش دموکراسی یافت نمایند (Acemoglu and Robinson, ۲۰۰۳; Acemoglu and Robinson, ۲۰۰۵). گریف، میلگروم و وینگاست^۸ (۱۹۹۴) در خصوص نحوه تلاش تجار (اتحادیه‌های صنفی) در اواخر قرون وسطی در اروپا برای ایجاد قوانینی برای حفظ دارایی‌های همکاران خود به بحث و مطالعه پرداختند. حتی در دموکراسی هم ممکن است شرکتهای دولتی با ایجاد فساد، تلفیق قوانین، ایجاد دودستگی و پارتی‌بازیهایی به دنبال منافع شخصی خود باشند. در حقیقت، ادبیات به وجود آمده کنونی بر این باور است که حداقل در مرحله ابتدایی، رشد اقتصادی تحت شرایط رژیم حاکمیتی امکان‌پذیر است. گلاسر^۹ (۲۰۰۴) بر این باور است که تعداد بسیار کمی از کشورهای در حال توسعه که به موفقیت‌های اقتصادی دست یافته‌اند، اغلب با استفاده از نظام دیکتاتوری و اجرای سرسخت قوانین به این مهم دست یافته و سپس قوانین خود را در جهت دموکراسی تغییر داده‌اند. در حالیکه چنین نتایجی بسیار بحث‌انگیز است، بررسی‌های این منتقدان در رابطه با معیارهای موسسات به صورت کلی

5- Barro
6- Persson
7- Keefer
8- Greif, Milgrom and Weingast
9- Glaeser et al.
10- Giavazzi and tabellini
11- Kaufman, Kraay and Mastruzzi

از آنها می‌تواند به کیفیت سایر موارد وابسته باشد. اما زمانیکه به صورت دقیقتر به بررسی متغیرهای آنها می‌پردازیم، در می‌یابیم که متغیرها در مطالعات تجربی رشد اقتصادی و تغییرات در کیفیت دولت در شرکتهای خاص بسیار شاخص و بارز هستند.

فساد و بار مقررات، موضوعات اصلی در تحقیقات بانک جهانی در مورد دولتهای بسیاری از کشورها به شمار می‌آیند.

برآورد تجربی از سطح یا میزان رشد توسعه ناخالص داخلی در ارزیابی‌های مختلف موسسات، مسائل و مشکلات اقتصادی و نظری بسیاری را بوجود آورده است. محققان مسئله وارونگی رابطه علت و معلولی را با استفاده از ابزارهای متنوعی مانند ملیت گروه مردم، اصول اخلاقی حاکم در بین آنها و حتی منابع طبیعی و شرایط اقلیمی، کشاورزی و غیره مهار کرده‌اند. ایده اصلی از زمان شرایط ابتدایی در اروپا شکل گرفت؛ در آن زمان مستعمره‌های اروپایی موسسات حمایت از بردگان و نابرابری در حقوق را تاسیس کردند تا از حقوق کاری خود دفاع نمایند. با وجود اینکه برده‌ها مجبور بودند سختی‌های زیادی را برای حفظ موسسات تحمل نمایند، اما وجود این موسسات باعث دلگرمی آنها و در طول زمان باعث دستیابی به موفقیت‌های اقتصادی شد. بحث در مورد موضوعات اقتصادی بسیار و ادامه دار است.

لا پورتا و همکاران (۱۹۹۸؛ ۱۹۹۹)^{۱۲}، رسوم متنوعی را برای حمایت از حقوق سهامداران کوچک مقایسه کرده است. در صورت حمایت ضعیف، از ریزش سرمایه‌های جلوگیری می‌شود. محققان دریافتند نظام‌هایی که بر اساس قوانین معمول پایه ریزی شدند، نسبت به آنهایی که بر اساس قوانین مدنی پایه ریزی شده‌اند دارای قابلیت‌های بهتری می‌باشند. با این وجود، راجان و زینگالس^{۱۳} (۲۰۰۳) و لامورکس و روزنتال^{۱۴} بر این باورند که در عمل، اختلاف کوچکی بین نظام‌ها در زمان صنعتی شدن وجود دارد.

در سطح بین‌المللی، شرکتهای دولتی و رسمی از طریق بدنه‌هایی نظیر سازمان تجارت جهانی به فعالیت می‌پردازند. اعضای آن را کشورهای مستقل تشکیل می‌دهند. بنابراین، عملکرد آنها در روابط چندجانبه می‌بایست بر اساس خود اجرایی باشد. این موسسات اساساً مشابه شبکه‌های اجتماعی می‌باشند که در ذیل به توضیح آن خواهیم پرداخت.

موسسات خصوصی

کنترل فعالیت‌های حمایت از حقوق دارایی‌ها که توسط دولت انجام می‌پذیرد، معمولاً توسط سیستم‌های امنیتی بخش خصوصی تکمیل شده تا مشتریان و اهداف خاصی را تحت پوشش قرار دهند. شرکتهای پرسنل امنیتی را استخدام می‌کنند و شهرک‌ها و محله‌های محصور دارای نگهبان می‌باشند. این اقدامات عملکرد پلیس را کامل کرده و به نوعی با پلیس مشارکت دارد،

با این وجود در صورتیکه بخش خصوصی از حیثه اختیارات خود خارج شود، اختلافی بین این دو گروه به وجود خواهد آمد.

موسسات خصوصی که در تلاش برای قانونی نمودن قراردادها هستند، با قانون رسمی مشکلی ندارند و هنگامی فعالیت جدی خود را آغاز می‌کنند که این قانون در مواردی ضعیف عمل نمایند یا در مواردی بند قانونی وجود نداشته باشد. ساز و کار قراردادی آشکار یا تلویحی بخش خصوصی، به دلیل تعیین حقوق دارایی‌ها برای در اختیار داشتن بازده کافی، دارای اهمیت می‌باشد. بنابراین، بررسی موسسات خصوصی معمولاً بر دولتی بودن قراردادها تمرکز دارد.

مشکل اصلی در قانونی نمودن قراردادها، کنترل فرصت طلبی‌ها است. در صورتیکه یک یا دو طرف مجبور به انجام سرمایه‌گذاری‌های خاص باشند، طرف دیگر می‌تواند به دنبال ایجاد منافع از طریق پیمان شکنی یا درخواست برای مذاکره مجدد باشد. چنین دیدگاهی می‌تواند پتانسیل منافع مشترک را در ابتدا به خطر بیندازد.

ویلیامسون (۱۹۷۵؛ ۱۹۹۵) اولین محقق بود که به بررسی چنین مسائلی تحت عنوان هزینه‌های اقتصادی معاملات پرداخت.

اطلاعات، شامل منابع اساسی در خصوص مزایای نظم، بخش خصوصی در مقایسه با قانون رسمی می‌باشد. قانونی نمودن قراردادها، در دادگاه نیازمند ارائه مدرک مرتبط با اجرای نامناسب مفاد قرارداد توسط طرف دیگر دعوی است؛ اطلاعات مربوطه می‌بایست برای طرف سوم قابل اثبات باشد. بنابراین، در قراردادهای رسمی می‌توان توسط هر دو طرف، مفادی را به صورت مشروط در مورد اطلاعات قابل اثبات قید نمود. طرفین می‌توانند جزئیات بیشتر در مورد اطلاعات را از طریق کارشناس متخصص یا به صورت فردی بررسی نمایند؛ با این وجود آنها نمی‌توانند این موارد را برای قاضی یا هیات منصفه غیر حرفه‌ای در سیستم قانونی دولت اثبات کنند.

مزیت اطلاعاتی نظام‌های خصوصی، می‌تواند توسط ضعف در قانونی نمودن مقررات جبران شود. قراردادهای غیر رسمی می‌بایست تنظیم شوند تا از بروز بسیاری از وسوسه‌های طرفین برای انجام رفتارهای فرصت طلبانه به هزینه طرف دیگر جلوگیری نمایند. موسسات دولتی مختلف غیر رسمی، روشهای متعددی را امتحان و موفقیت‌های متنوعی را کسب کرده‌اند. برخی از آنها اجبار برای مجازات سریع را در دستور کار خود قرار دادند و سایرین از روش محرومیت فرد خاطی در مشارکت فعلی یا آتی استفاده می‌کنند. این مورد، تئوری استاندارد شرکتهای خودگردان را که پریزینر^{۱۵} در برهان خود به بررسی آن پرداخته بود نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی برخی از این شرکتهای می‌پردازیم.

12- La Porta et al.

13- Rajan and Zingales

14- Lamoreaux and Rosenthal

15- Prisoner

تشکیلات خصوصی با پیشینه قانونی

شاید، قابل توجه ترین مسئله در مورد موسسات قانونی و ساز و کار آنها در خصوص قانونی نمودن قراردادهای تجاری، استفاده اندک از آنها است. در معاملات کسب و کار، قراردادهای رسمی مشخصی وجود دارد ولی در زمانی که اختلافی در ارتباط با موارد قانونی به وجود می آید، از این موسسات به عنوان آخرین راه استفاده می شود. در چنین مواقعی در ابتدا، مذاکرات دوجانبه، حکمیت توسط متخصصان و غیره انجام می شود و تنظیم دعوی به عنوان آخرین راه چاره در ارتباطات تجاری مورد استفاده قرار می گیرد. کاربردی ترین روش در قراردادهای تجاری بهبود ویژگی های تشکیلات خصوصی با پیشینه قانونی می باشد.^{۱۶}

در صورتی که یکی از طرفین در مناسبات غیر رسمی خود به صورت فرصت طلبانه ای عمل نماید، مناسبات دو طرف با تنظیم قراردادی رسمی ادامه خواهد یافت. در اینصورت کلیه رفتارهای طرفین در معاملات در قرارداد ذکر می شود. فرض کنید دو طرف به صورت تلویحی توافقاتی را انجام داده اند، در صورتیکه یکی از طرفین تعهد خود را انجام ندهد که باعث زیان به طرف دیگر شود، معاملات آتی آنها با عقد قرارداد رسمی ادامه خواهد یافت.

هنگامی که اساس رابطه به صورت شفاهی و تلویحی باشد، رشد جزئی سیستم رسمی میتواند نتایج سویی را در بر داشته باشد. این رشد جزئی باعث افزایش مبلغ تسویه و تنظیم قرارداد رسمی می شود. این امر به نوبه خود هزینه عدم وفای به عهد را در قرارداد شفاهی کاهش داده و در واقع روح همکاری بین طرفین از بین می رود.

حکمیت به دو صورت قابل اجرا است. یکی از آنها شاخصه های صنعتی است که بر مبنای اطلاعات و دانش تخصصی حکم می باشد. در چنین موردی، اطلاعات موثق بیشتری قابل دسترسی است بنابراین، قراردادهای دقیقتر با مفاد و جزئیات بیشتر، مناسب تر خواهد بود. در بسیاری از صنایع، اطلاعات عمومی در خصوص عرف و نوع قراردادها وجود دارد که لزوم درج جزئیات در قرارداد را منتفی می سازد. حکمیت همچنین می تواند باعث ایجاد فرصت برای طرفین شود تا با مذاکره و تعامل مجدد، شرایط جدیدی را بوجود آورند. نظام های قانونی معمولاً به مزیت حضور داور متخصص در مذاکرات پی برده و دادگاهها اصولاً این نوع دعوی ها را به حکم متخصص می سپارند. با این وجود، داور صنعتی معمولاً از طرف قانون شدیداً حمایت شده و می تواند به صورت ناعادلانه ای رفتار کرده و طرف خاطی را از ادامه فعالیت در آن کسب و کار بازدارد.

حکمیت دیگر به قراردادهای بین المللی ارتباط دارد. این قراردادها در اعمال قدرت مستقیم برای اجرای تصمیمات ناتوان هستند. اما از طریق دادگاههای ملی پشتیبانی می شوند. این مدل حکمیت دانش تخصصی را در اختیار نداشته،



روند آنها کندتر و پُر هزینه تر بوده و تصمیمات آنها می تواند به نوعی بر پایه دآوری و نظریه فردی باشد. با این وجود، طرفین در تعاملات بین المللی ترجیح می دهند از این افراد کمک بگیرند زیرا بر این باورند که آنها از دادگاههای ملی خود منصفانه تر قضاوت می کنند.

موسسات خصوصی انتفاعی

در صورتیکه دولت مایل به حمایت از اموال یا قرارداد خاصی نباشد (به عنوان مثال فعالیت های غیرقانونی)، یا به طریقی قادر به انجام آن کار نباشد (به عنوان مثال در دول ضعیف و ناکارآمد) و یا اساس دولت بر مبنای غارتگری باشد، آنگاه موسسات خصوصی برای انجام این وظیفه به وجود می آیند. جرمهای سازماندهی شده معمولاً از این موقعیت استفاده می کنند. گامبتا^{۱۷} (۱۹۹۳)، باندیرا^{۱۸} (۲۰۰۳) و سایرین بر این باورند که مافیا در چنین شرایطی ایجاد شد تا حمایت شهر سیسیل را در اواخر قرن ۱۹ از بین ببرد.

ملاکین به استخدام نگهبانان اربابان قدیمی پرداختند و حتی از خلافکاران نیز برای نگهداری از اموال خود استفاده می کردند. گامبتا به توضیح چگونگی نقش مافیا در توسعه استفاده از قراردادهای کارهای غیرقانونی و در بازار خاکستری پرداخته است. همچنین یاکوزای ژاپنی، در سازماندهی بازارها در اواخر جنگ جهانی دوم در آگوست و سپتامبر سال ۱۹۴۵ و همزمان با فروپاشی دولت، نقش بسیار مهمی را ایفا کرد. بعلاوه، مافیا پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی در روسیه نفوذ و رشد کرد.

گامبتا به این نکته اشاره کرد که این نوع کسب و کار حمایتی، اصلی ترین

16- (Macaulay, 1963; Williamson, 1995)

17- Gambetta

18- Bandiera



قراردادی، ب) جلوگیری از افشای اطلاعات قبلی در مورد رفتار طرفین قرارداد، ج) تحمیل مجازات به منظور کاهش پرداختهای نقدی آتی به عنوان جریمه. مورد اول معمولاً با رعایت تکنولوژی های موجود نظارتی امکان پذیر است. همچنین شرکتها و موسسات نظارتی برای انجام این مهم وجود دارند. موارد دوم و سوم در ایجاد ارتباط دو جانبه امکان پذیر است؛ دو طرف انگیزه طبیعی برای جلوگیری از انجام تقلب توسط طرف مقابل را دارند و می توانند تخلفات یکدیگر را به خوبی به خاطر بسپارند و در صورت مشاهده تخلف و تقلب، رابط خود را با طرف مقابل قطع نمایند. با این وجود، استفاده از حاکمیت اقتصادی در گروههایی که اعضای آن با یکدیگر تعاملاتی دارند، ضروری است. اکنون، به خاطر سپاری و انتقال اطلاعات در خصوص رفتار شریک خود به دیگران، و جلوگیری از انجام رفتاری که باعث سوء استفاده بالقوه شریک شما شود (همانگونه که در گذشته نیز در معامله با شخصی دیگری این کار را انجام داده بود)، بسیار پرهزینه بوده و ساز و کار خاص خود را نیاز دارد.

موسسات دولتی رسمی قادرند این مشکلات را برطرف نمایند؛ نظام قانونی، گروه معامله گران را مجبور می کند تا رفتار مناسبی از خود نشان دهند زیرا در صورت مشاهده موارد تخلف، سریعاً جریمه می شوند. تامین کنندگان طرف سوم نیز از این قانون مستثنی نیستند. در مورد مافیاء، هر کس که با مشتریان مافیاء در تعامل باشد، در صورت انجام خطا، مجازات سختی می شود. موسسه شبکه اجتماعی می تواند مشکل اطلاعات را با روش تمرکززدایی برطرف نماید. هر یک از طرفین می تواند اطلاعات مربوط به رفتارهای طرف تجاری خود را به سایر افراد گروه که به نوعی با وی مرتبط هستند منتقل نماید. و هر شخص می تواند مجازات دلخواه خود را در ارتباط با وی اعمال نماید. این مجازات ها معمولاً شامل امتناع از تجارت با طرف خاطی می شود. بنابراین برای ایجاد ارتباط و انجام معامله با افراد لازم است که رفتار تجاری مناسبی از خود نشان داده و این امر به خودی خود باعث کاهش تخلفات می شود.

مثالها و موردکاوی های بسیاری در این خصوص وجود دارند. گریف^{۱۱} (۱۹۹۳)، به تجزیه و تحلیل سیستم ارتباطی و مجازاتی معامله گران مراکشی پرداخته است. همچنین اوستروم^{۱۲} (۱۹۹۰) به تاکید بر اهمیت دانش و ارتباط محلی، طراحی مجازات های مناسب و ایجاد انگیزه در افراد برای جلوگیری از انجام تخلفات پرداخته است. فافچامپ^{۱۳} (۲۰۰۴)، به بررسی و مقایسه موسسات آفریقایی در صنایع مختلف پرداخته است؛ تلاش او اهمیت طراحی سیستم مناسب برای شرایط یا گروههای متنوع را در بر می گیرد. انسینگر^{۱۴} (۱۹۹۲)، به همین طریق ترکیب پیچیده ارتباط کاری و تجاری را بین قبیله های کنیا شرح می دهد و به بررسی نحوه ارتباط و میزان تاثیر موسسات حمایت از حقوق دارایی ها بر قبایل خانوادگی کنیایی می پردازد. جانسون، مک میلان و وودراف^{۱۵} (۲۰۰۲)، یافته های خود را در رابطه با نظامهای اقتصادی

فعالیت مافیاء می باشد. آنها افراد مختلف را برای حفاظت داخلی منزل استخدام می کردند. اما این امر به صورت ادغام عمودی از پایین به بالا و کاملاً متضاد با نحوه ای بود که شرکتهای معمولی آن را انجام می دادند. بررسی هزینه های معاملاتی سازمان مافیاء و موسسات وابسته به آن، می تواند ارتباط جالبی را میان حاکمیت اقتصادی و حاکمیت شرکتی نشان دهد.

بعد دیگری که فعالیت حمایتی به وجود می آورد، اخاذی است. بنابراین محافظان خصوصی به نوعی از ضعیف شدن قدرت حمایتی دولت استقبال می کنند.

مافیاء بر تنظیم و اجرای قرارداد همواره تاکید دارد زیرا معامله گران به صورت منظم با یکدیگر همکاری نداشته و احتمال بکار بردن حربه از جانب طرفین امری طبیعی است. نقش اطلاعاتی مافیوسو^{۱۶} مشابه شرکتهای رتبه بندی می باشد. دیکسیت^{۱۷} (۲۰۰۴)، به طراحی مدلی از چنین موسسات دولتی پرداخته و شرایطی را برای همگون سازی آن با موسسات خصوصی انتفاعی ایجاد کرده است. آنها تعهد کمتری در سهام اضافی که مشتریان و مافیوسو می بایست داشته باشند، در اختیار دارند؛ بنابراین وسوسه معامله گران برای تقلب و مافیوسو برای خیانت تحت کنترل و تاثیر قرار می گیرد.

گروه های فشار موجود در داخل شبکه های اجتماعی

تمامی موسسات حمایتی برای قانونی نمودن قراردادها، می بایست سه معضل کلیدی زیر را برطرف نمایند:

الف) جلوگیری از انجام اقدامات فرصت طلبانه برای انجام رفتارهای مشروط

19- Mafioso
20- Dixit
21- Grief
22- Ostrom
23- Fafchamp
24- ensminger
25- Johnson, McMillan and Woodruff



تجاری دوجانبه طولانی مدت و خودگردانی را ایجاد نمایند یا به دنبال طرفهای تجاری موقت در بازار گمنام باشند. در صورتیکه افراد بیشتری در بازارهای گمنام به فعالیت بپردازند، جنبه های بهتری برای جستجوی موفق بوجود خواهد آمد. بنابراین، طرفین در ارتباط دو جانبه دارای فرصتهای بیشتری هستند که حفظ روش های همکاری را با مشکل روبرو می سازد. بر این اساس، سیستم می تواند هم ترازهای متنوعی داشته باشد هیچ کس از بازار به دلیل اینکه هیچکس دیگری از آن استفاده نمی کند، سود نمی برد؛ یا دلیل استفاده همه افراد از بازار این نیست که سایرین نیز از آن استفاده می کنند.

تحول و تبدیل موسسات حاکمیتی

این مقاله بر این موضوع پافشاری و تاکید دارد که وجود موسسات حاکمیتی مختلفی در شرایط متفاوت، در فعالیت های مختلف اقتصادی و در زمانهای گوناگون بسیار مفید است. تغییر در تکنولوژی تولید، معاملات و ارتباطات باعث ایجاد تغییر در روشهای حاکمیتی می شود. به محض افزایش محدوده معاملات، موسسات رسمی نظارت خود را بر موسسات غیر رسمی آغاز می کنند. با این وجود، موسسات غیر رسمی در سایه موسسات رسمی حتی در بخش های بسیار پیشرفته اقتصادی، نقش مهمی را ایفا می کنند. موضوعات مطرح شده این سوال را به وجود می آورد که آیا می بایست در انتظار تحول و تغییر این موسسات به صورت بهینه باشیم؟

ویلیامسون در نظریه معروف خود «همترازی متمایز»^{۲۶} بر این باور است که معاملات با ویژگی ها و هزینه های متفاوت خود، با موسسات تنظیم و هم راستا می شوند. این مطلب زمینه تغییر بهینه حاکمیت و موسسات تامین کننده آن را آماده می سازد. سایرین نسبت به این موضوع کمتر خوشبین هستند. نورت^{۲۷} (۱۹۹۰)، و سایرین بر این باورند که تغییر سازمانی باعث تاخیر می شود زیرا موسسات در پی برطرف کردن مشکلات و دستیابی به منافع خود می باشند. دیکسیت (۲۰۰۴)، در خصوص برخی از این مشکلات و به خصوص تحول و تغییر از اصول ارتباطی به اصول قانونی به بحث پرداخته است. اگرستون^{۲۸} (۲۰۰۵)، به مثال پر ماجرای اشاره کرده است که در آن به چگونگی محدودسازی ماهیگیری توسط موسسات و لزوم وجود بیمه پر هزینه مشترک در ایسلند می پردازد و نشان می دهد که این امر برای قرنهای مانع از پیشرفت اقتصادی در این کشور شد.

نگارنده بر این باور است که ایجاد تعادل در روند تغییر و نیز توجه به موانع آن، لازم است. نتیجه اصلی به ویژگی هر یک از موضوعات بستگی دارد. شناسایی و جلوگیری از روند، نیازمند تلفیق و ترکیب اهداف است. گریف (۲۰۰۶)، به بحث، توسعه و کاربردی نمودن چنین روشهایی با استفاده از بررسی های گذشته تجاری در قرون وسطی در اروپا پرداخته است.

سوسیالیست ارائه داده اند. نکته قابل توجه، تحول حاکمیت اقتصادی از صورت رسمی به صورت غیر رسمی است. حتی بدون وجود پشتوانه ای دادگاهی، صداقت در روابط دو جانبه را می توان ایجاد نمود. کاسلا و راج^{۲۹} (۲۰۰۲)، به بررسی نقش شبکه های اخلاقی در تجارت بین المللی پرداخته اند.

لی^{۳۰} (۲۰۰۳)، به تفاوت کلیدی بین هزینه های عملیاتی مانند نظام ها و حاکمیت اقتصادی رسمی اشاره کرده است. ارتباط سیستمی شبکه ها دارای هزینه های بالا اما ثابتی هستند. معمولاً معامله گران در ارتباط با یکدیگر، معاملات خود را در مقیاس کوچک شروع می کنند تا معیارهای اخلاقی یکدیگر را محک زده و به پایه ریزی صداقت بپردازند. در این خصوص به هیچ نوع هزینه ثابتی برای ایجاد قوانین رسمی یا ساز و کارهای آن نیاز نیست. اما با افزایش دامنه تجارت، طرفهای بالقوه ای با ارتباطات متوسط روی کار آمده و باعث می شوند تا تبادل اطلاعات با مشکل روبرو شود. برخلاف این قضیه، حاکمیت اقتصادی رسمی و قانونی، برای تنظیم مقررات و ساز و کار اطلاعاتی دارای هزینه بالا و ثابتی است؛ با این وجود، در ارتباط با طرفهای بالقوه واهمه و ترسی وجود نخواهد داشت. بنابراین، حاکمیت اقتصادی بر پایه روابط برای معاملات و گروههای کوچک مناسب است و برای حجم معاملات گسترده و گروههای بزرگ، به حاکمیت اقتصادی بر اساس قانون نیاز است. گریف (۱۹۹۴)، به مقایسه سیستم ارتباطی معامله گران مراکشی و سیستم بازرگانان بندر جنوا پرداخته است. دیکسیت (۲۰۰۴)، مدلی متشکل از سیستم ارتباطی و رسمی را طراحی و ارائه داده است. این مدل به شرح حداکثر اندازه گروههای خودگردان پرداخته و مشخص می سازد زمانیکه این گروه از این اندازه تجاوز نماید، حداکثر محدوده صداقت به طور یقین کم خواهد شد. در زمان بحرانی، رفتار افراد در ارتباط با طرف قدیمی خود متفاوت است و فرد بین صداقت و فریب یکی را انتخاب می کند. هنگامی که ارتباطات گسترده می شود، احتمال بروز خطر و انجام تقلب نیز افزایش می یابد.

کرائتون^{۳۱} (۱۹۹۶)، افرادی را مدل سازی کرده است که می توانند روابط

26- Casella and Rauch

27- Li

28- Kranton

29- Discriminating alignment

30- North

31- Eggerston